

دربار و درباریان در دوره ماد و هخامنشیان^۱

محمد داندامایف

ترجمه: منصور حمدالله‌زاده^۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۷/۱۵ - تاریخ قبول ۱۳۹۹/۰۸/۲۹

دوفصلنامه علمی تخصصی مطالعات ایران کهن - شماره اول، سال اول، بهار و تابستان ۱۴۰۰

اطلاعات موجود در مورد درباریان مادها و هخامنشیان محدود بوده و کاملاً قابل اعتماد نیستند. از گزارش هرودت (۱/۱۱۴) درباره شاه‌بازی کورش خردسال، بنظر می‌رسد که دربار مادها شامل نگاهبانان، پیکها، «چشم و گوش شاه» (نوعی مأمور مخفی) و بناها می‌شد، و بخاطر این بوده که در دربار شاه چنین مقاماتی بوده است زیرا به احتمال زیاد این بازی از دربار موجود الگو گرفته شده است (Hirsch, ۱۰۵). هنگامی که این پسر، کورش بزرگ (۵۵۹ - ۳۰ ق.م.) شد، به احتمال زیاد سازمان درباری و رسوم مادها را ادامه داد، از جمله تشریفات سیاسی، آیینها و آداب و رسوم ویژه‌ای بود که مادها نیز به نوبه خود از آشوری‌ها به ارث برده بودند، هرچند اطلاعات

^۱ - این مقاله ترجمه ای است از:

COURTS AND COURTIERs i. In the Median and Achaemenid periods – Muhammad A. Dandamayev Originally Published: December ۱۵, ۱۹۹۳ Last Updated: November ۲, ۲۰۱۱ This article is available in print. Vol. VI, Fasc. ۴, pp. ۳۵۶-۳۵۹ <http://www.iranicaonline.org/articles/courts-and-courtiers-i>

^۲ - دانشجوی دکتری تاریخ - ایران قبل از اسلام - دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات

mansour.hamdollahzadeh@srbiau.ac.ir

دقیقی در این مورد در دسترس نیست (۸۴-۲۸۳, ۶۶-۲۶۴, Root). به نوشته کتزیاس یکی از مقامات درباری شرابدار بوده است (König, ۱۷۷).

اگرچه کتیبه‌های به دست آمده از خزانه و باروی تخت جمشید شواهد کمی را در مورد دربار هخامنشیان نشان می‌دهد، یکی از منابع اصلی، نقش برجسته‌های آپادانا هست که مراسم‌های سلطنتی را به تصویر می‌کشد. در میان نویسندگان یونانی هرودت جزئیات بیشتری را در مورد روابط و دسیسه‌های دربار ارائه کرده است و کتزیاس، که بیشتر عمرش را بعنوان پزشک دربار پارس‌ها سپری کرد، اطلاعات دست اول زیادی را در مورد مقامات درباری تاثیر گذار و روابط خاندان سلطنتی ارائه می‌کند. آثار نویسندگان یونانی بعد از آنها، بویژه پلوتارک، و آتیوس، منابع ارزشمند در این باره هستند. سرانجام جزئیات زندگی در دربار هخامنشیان در کتاب عهد عتیق استر که شامل شخصیت‌های افسانه‌ای بسیاری است و باید با احتیاط استفاده شود، در دسترس است.

ساکنین دربار

اگرچه شوش پایتخت اداری و اجرائی هخامنشیان بود، جایی که احکام و عزل و نصب‌های حکومتی و فرامین مربوط به ساتراپ‌ها از آنجا فرستاده می‌شد، این مکان جایی بود که مقامات اداری و درباری برای ملاقات به آنجا می‌آمدند. تاریخ نویسان یونانی نوشته‌اند که شاه و مقامات درباری در فصول مختلف سال، از شهری به شهر دیگر نقل مکان می‌کردند. پاییز و زمستان در بابل و بهار در شوش، تابستان نیز در شهر اکباتان سپری میشد. ولی جشن‌های مهم سلطنتی و ملی در تخت جمشید برگزار میشد (Xenophon, Cyropaedia, ۸, ۶, ۲۲; idem,) (Anabasis, ۳, ۵, ۱۵; Strabo, ۱۱, ۱۳, ۱) محل تاجگذاری نیز در پاسارگاد بود (Plutarch, Artaxerxes, ۳).

مقامات دربار با شخص مقدس شاه در مرکز آن شامل تعداد زیادی از افراد می‌شد. او در انزوا زندگی میکرد، علاوه بر مادرش و زن رسمی‌اش، شش نجیب زاده از خاندان او حق داشتند بدون اطلاع قبلی به او دسترسی داشته باشند. آن شش نجیب زاده همان اشخاصی بودند که در سرنگون کردن گئومات غاصب در سال ۵۲۲ ق. م. با داریوش اول (۵۲۲-۴۶۶ ق. م.) همکاری کرده بودند (Herodotus, ۳, ۸۴) بنابراین دارای مقام عالی شدند. در کتاب استر (۱:۱۴) آمده است که هفت شاهزاده پارس و ماد بودند که میتوانستند صورت شاه را ببینند و در شاهنشاهی دارای جایگاه برتری بودند. در نقش‌برجسته‌های بیستون و آرامگاه نقش رستم (Root, pls. VI, XII-XIII), داریوش همراه با درباریانش نمایش داده شده ولی در نقش‌برجسته‌های تخت جمشید معمولاً به همراه ولیعهد و ملازمان نشان داده شده است (Root, pls. XV, XXV, XXVII). اینکه ولیعهد (پسر جانشین^۳) عنوانی بود که برای ولیعهد پارسی (Eilers, ۵۵-۶۳; Benveniste, ۲۳-۲۴) و یا برای تمامی اعضای مذکر خاندان هخامنشیان (Stolper, ۶۰) بکار برده میشد، اهمیت آن در این نقش‌برجسته‌ها به روشنی دیده می‌شود (Root, ۷۴-۷۶; نگاه کنید به crown prince).

شاه دارای چندین زن و تعدادی صیغه بود. او تنها می‌توانست با زنانی از خانواده آن شش نفر ازدواج کند (Herodotus, ۳, ۸۴). تمام زنان و دختران شاه دارای عنوان "شاهزاده خانم"^۴ بودند که در کتیبه‌های ایلامی با عنوان "دوکشیش"^۵ و در یکی از کتیبه‌های باروی تخت جمشید ذکر شده است (Benveniste, ۴۳-۴۸; نگاه کنید به artystone). دیدن زنان و آوازه‌خوان‌های شاه بغیر از شاه و بستگان نزدیک برای دیگران غیر قانونی بوده و حکم مرگ را داشت. در کتاب استر (۱: ۱۱-۲۱) داستانی وجود دارد که در آن خشیارشا اول (۴۸۶-۶۵ ق. م.)

^۳ vis-puθra

^۴ duxθrī

^۵ dukšiš

به زن خود وشتی^۶ دستور داد تا خود را در جشن شوش به مردم نشان دهد، این بر خلاف قانون بود و ملکه از دستور سرپیچی کرد خشیارشا در مجازات وی عنوان ملکه را از او گرفت و او تبدیل به صیغه معمولی گشت. اگر چه داستان به نظر خیال پردازی می‌آید، ولی تمایل زنان درباری را برای دیده نشدن را نشان می‌دهد. طبق گزارش‌های تاریخی، تعداد ۳۶۰ آوازه خوان در حرمسرای شاه پارس وجود داشت (Curtius Rufus, ۱۷,۷۷,۶; Diodorus Siculus, ۳.۴.۲۴). اسرای زیبا روی که در جنگ‌ها گرفتار می‌شدند به دربار و حرمسرا فرستاده می‌شوند. بسیاری از خواجه‌ها در حرمسرا و در خدمت شاه بودند. بابلی‌ها سالانه ۵۰۰ خواجه به دربار می‌فرستادند (Herodotus, ۳,۹۲) و به‌علاوه پسران زیباروی اسیر شده در جنگ نیز برای همان منظور خواجه می‌شدند. در اوایل دوره خشیارشا، خواجه‌ها تاثیر شایانی بر شاه و درباریان داشتند و دسیسه‌های درباری رواج داشته است.

درباریان

به نظر می‌رسد در میان گروه‌های درباریان سلسله مراتبی وجود داشته است. هر شخصی که خدمتی مهم و قابل ارائه برای شاه داشت "معمد/ نکوکار"^۷ (Schmitt, ۱۳۱) خوانده می‌شد و اسمش در فهرست ویژه‌ای وارد می‌شد (Josephus, ۸,۸۵,۹۰; Herodotus, ۱۱,۶,۴). *Antiquitates Judaicae* معتمدان یا نکوکاران درباری با هدایایی مثل لباس‌های خاص، اسب، زیوآلات طلا و جواهر، زمین و مانند اینها پاداش داده می‌شدند. آنها شامل خارجیانی هم می‌شدند که در دربار زندگی می‌کردند این اشخاص ممکن بود تمام یک روستا و یا منطقه را بعنوان هدیه دریافت کنند (Dandamaev and Lukonin, ۱۳۸-۳۹). به گزارش گزنفون (Anabasis ۱,۲,۲۷)، معمول‌ترین شیوه شاه برای نشان دادن علاقه خود، دادن اسبی

^۶ Vashti

^۷ Gr. *euergētai* "benefactors," *orosangai*, from OIran. **waru-sanha* "widely renowned"?

با یراق طلائی و یا مجسمه اسب طلائی، دستبند، یک خنجر طلائی و یا یک ردا (جامه) بود. داریوش اول دستور داد ۵۳۰ کارشا (۴۴/۵۲ کیلو گرم) نقره در بین ۱۳ نفر که تقریباً همگی اسم ایرانی داشتند تقسیم شود (Cameron, ۱۹۴۸, ۸۸-۸۹ no. ۴).

از نظر جایگاه، بعد از " معتمدان/ نکوکاران"، خویشاوندان و دوستان شاه قرار داشتند که می‌توانستند در خوردن غذا با شاه هم‌نشین گردند. به‌عنوان مثال، تیری‌بازس^۸، ساتراپ ارمنستان غربی، در گروه دوم قرار داشت، هنگام حضور وی در دربار کسی حق نداشت به غیر از او به شاه در سوار شدن بر اسبش کمک کند (Xenophon, *Anabasis* ۴, ۴, ۴.; cf. Curtius Rufus, ۳, ۳, ۱۴, ۲۱).

گزنفون گزارش می‌دهد (Anabasis ۱, ۹, ۳) که پسران درباریان عالی‌رتبه در دربار آموزش داده می‌شدند. آنها فرماندهی و همچنین اطاعت را می‌آموختند (Xenophon, ۲۲- ۱۲۱ Cyropaedia ۸, ۶, ۱۰; Plato, Alcibiades). در بسیاری از اوقات مقامات سیاسی و سفرای خارجی و وابستگان حکومت‌های محلی هخامنشیان نیز در دربار حضور داشتند بطور مثال در دوران حکومت داریوش اول، اوجا‌هرسن^۹ مصری برای مدتی در شوش اقامت داشت. شاه اسپارتی دماراتوس، کسی که از کشور خود فرار کرده و در دربار خشیارشا زندگی می‌کرد، در میان ملازمان شاه قرار داشت (Herodotus, ۷, ۱۰۱, ۲۳۷). تمیستوکل آتنی که به پارس گریخته بود، در دربار تاثیر گذار گشت به طوری که در مراسم شکار شاه و رام کردن حیوانات وحشی شرکت می‌کرد (Plutarch, Themistocles ۲۹; Walser, ۱۸۹-۲۰۲).

به گزارش الیانوس (Varia Historia ۱, ۲۲) شاه ایران به هر یک از سفرای یونانی و یا خارجی که پشت سر او حرکت کرده بودند، یک کیسه بابلی نقره، دو خمره نقره (هرکدام سی کیلو گرم)، دستبند، شمشیر ایرانی، سنجاق سینه به ارزش هزار دریک، و یک دست لباس مادی

^۸ Tiribazes

^۹ Ujahorresne

اهدا کرده است. پزشکان مصری و یونانی نیز در دربار هخامنشیان (Herodotus, ۳, ۱) زندگی می‌کردند. دموسه‌دس پزشک شخصی داریوش اول در بین ملازمان درباری قرار داشت (Herodotus, ۳۳-۳۱۲۹). آپالونیدس^{۱۰} پزشک خشیارشا و اردشیر اول (۲۴-۴۶۵ ق.م.)، در دربار هخامنشیان حضور داشتند و اردشیر دوم (۳۵۹-۴۰۵ ق.م.) نیز از خدمات کتزیاس و پلی‌کلیتوس بهره‌مند می‌شد (۲۷۲, ۱۸۶, ۱۵۷, ۲۴, ۱۱۱, ۱۹, Hofstetter). در آخر نیز، برخی از دلقک‌ها و رقاص‌های یونانی نیز در دربار پارسیان بسر می‌بردند (Hofstetter, ۱۸۵, ۱۹۰ شماره ۳۲۷, ۳۳۷, ۲۱۳-۱۵).

نظام درباری

مدارک به‌دست آمده از تخت جمشید به زبان ایلامی شواهدی است که نشان می‌دهند افراد زیادی در دربار هخامنشیان کار می‌کردند و برای همین تعداد زیادی مترجم نیاز بود تا کار آنها را هماهنگ سازی کنند به همین ترتیب در شوش گروهی از مترجمانی نیز برای خدمتکاران غیر نظامی (Syloson of Samos; Herodotus, ۳, ۱۴۰) از تمام نقاط امپراتوری (از مصر تا هند) بکار گرفته می‌شدند. قسمت قابل توجهی از کارگران مشغول در دربار هخامنشی (نانواها، آشپزها و ساقی‌های شراب) از میان اسرای جنگی بکار گرفته می‌شدند (Dandamaev and Lukonin, ۷۲-۱۷۰).

قدرتمندترین مقام رسمی دربار هزارپتیش^{۱۱}، فرمانده ۱۰۰۰ سرباز یا سردار، و مسئول تامین امنیت و نظم و انضباط دربار بود. هزارپتیش بعنوان یک مقام عالی‌رتبه و فرمانده محافظان دربار (که شامل هزار نجیب‌زاده پارسی می‌شدند) رازدار و معتمد شاه بوده (Benveniste, ۶۷) (۷۰) و تمامی امور مهم را به او گزارش می‌دادند. به جز چند نفر از نزدیکان شاه، هر کسی که

^{۱۰} Apollonides

^{۱۱} hazāra-patiš

می‌خواست با شاه تماس بگیرد می‌باید درخواست خود را به هزارآرتیش ارائه کند وی شخصی بود که فرد را به حضور شاه می‌برد. با توجه به گزارش (Cornelius Nepos (Conon ۳) او بعد از شاه مقام دوم دربار بوده است. در دوران اردشیر سوم (۳۵۹-۳۸ ق.م.) این مقام به آریستازان تعلق داشت که جانشین باگواس^{۱۲} خواجه شده بود (Diodorus Siculus, ۱۶, ۴۷).

مقام مهم رسمی دیگر متعلق به مسئول اداری خاندان درباری که مسئول اداره بخش‌های اجرایی دربار و دارایی‌های شاهنشاهی بود. والتر هیتس اظهار می‌کند که عنوان درباری او ویثاپاتیش^{۱۳} یا مسئول قصر بود و وظیفه اش کنترل آذوقه خانه، سرداب‌های شراب، شراب‌خانه و گله‌ها بود. هیتس، همچنین نتیجه می‌گیرد که این مقام عالی، یک فرد از ماد بوده چرا که در نقش برجسته‌های تخت جمشید بروشنی با لباسهای مادها نمایش داده شده است (Walther Hinz, ۱۰۸, ۷۵, ۱۹۸۴, Frye, ۱۹۷۹, ۷۹-۸۹; idem, ۱۹۷۱, ۳۰۱-۰۸). اما این نتیجه گیری بسختی میتوانست درست باشد. در طول حکومت کمبوجیه و داریوش اول بین سالهای ۵۲۹ و ۴۹۷ (ق.م.)، این مقام در اختیار شخصی به نام فارناسس^{۱۴} بود (Dandamaev, ۱۹۷۲, ۱۹).

سایر اشخاص عالی‌مرتب و برجسته دربار، نیزه‌داران، ارشتیبآره^{۱۵}، کمانداران، وچه-باره^{۱۶} که احتمالاً افسران محافظ شاه بودند (Frye, ۱۹۸۴, ۱۰۸) و همچنین سورچی و ارابه-داران سلطنتی را شامل می‌شدند. در دوران خشیارشا اول، این منصب توسط پاتیرامفس^{۱۷} (Herodotus, ۷, ۴۰) پسر اتانس^{۱۸} از خاندان اشرافی بود. همچنین یک شراب‌دار درباری نیز در قصر وجود داشت (Herodotus, ۳, ۳۴; Xenophon, Hellenica ۷, ۱, ۳۸). در دوران

^{۱۲} Bagōas

^{۱۳} viθa-patiš

^{۱۴} Pharnaces

^{۱۵} arštibāra

^{۱۶} vačabāra

^{۱۷} Patiramphes

^{۱۸} Otanes

حکومت اردشیر اول، این پست مهم به نحماً^{۱۹} یهودی که در دربار شوش زندگی می کرد، محول شده بود (Nehemiah ۲:۱).

تعدادی مشاور سلطنتی که از خاندان اشراف پارسی منصوب شده بودند، در دربار زندگی میکردند و توصیه‌هایی به شاه در قانونگذاری و آیین‌ها ارائه میدادند (Herodotus, ۳, ۳۱). "دآته‌بره"^{۲۰} دستیار سلطنتی که مامور مخفی نامیده می‌شد، مربوط به هر یک ساتراپی‌ها و رابط بین دربار و ساتراپ بود (Herodotus, ۳, ۱۲۸). تمامی دربار، همچنین ساتراپ‌ها، تحت نظر دایم چشم‌ها و گوش‌های شاه بودند (Xenophon, Cyropaedia ۸, ۲, ۱۰-۱۲). همانند مامورین مخفی، این ماموران ناشناس از ساتراپ‌ها مستقل عمل می‌کردند، آنها هرگونه تحرکات و سخن‌های توطئه‌آمیز یا اقدام مستقیم علیه شاه را گزارش میکردند.

عناوین دیگری نیز در دربار بودند، هر چند دارای موقعیت رسمی نبودند: جارچی‌ها "ازدآکره"^{۲۱} که فرمان‌های رسمی شاه را اعلام می‌کردند. خزانه‌داران "گنزه بره"^{۲۲} (نگاه کنید به Dandamaev and Lukonin, ۲۰۶-۰۷) حسابدارها "ها(م)مآره کره (آمارگران)"^{۲۳} (نگاه کنید به Greenfield)، بازرس‌ها "فرآسه که"^{۲۴} (Stolper, ۳۱, ۱۱۶)، پلیس امنیت "ویستربره"^{۲۵} (Stolper, ۶۳, ۵۱) و کاتبانی که می‌توانستند به زبانهای ایلامی، آرامی یا اکدی بنویسند (Dandamaev and Lukonin, ۱۱۴-۱۵).

^{۱۹} Nehemiah

^{۲۰} dātabara

^{۲۱} azdākara

^{۲۲} ganzabara

^{۲۳} ha(m)māarakara

^{۲۴} frāsaka

^{۲۵} vistar-bara

هزینه های دربار

اگر چه اطلاعات جامعی درباره بودجه دربار در دسترس نیست، ولی چندین منبع در مورد میزان هزینه های مورد نیاز برای نگهداری دربار، سرنخ هایی را به دست می دهند. اسناد تخت-جمشید که بین سال های ۵۰۹ تا ۴۵۸ پ.م. نوشته شدند نشان می دهند که حتی بالاترین مقام دربار و اشخاص عالی رتبه دستمزدهای خود را بصورت نقره غیر مسکوک دریافت میکردند و در دوره هخامنشیان مسکوکات فلزی نبود {؟} (Dandamaev, ۱۹-۲۲)، بطور معمول ۱۵ هزار نفر روزانه با هزینه شاهی پذیرائی می شدند. هزینه کلی این پذیرائی ۴۰۰ تالنت معادل (۱۲ تن) نقره بود (Athenaeus, ۴, ۱۴۶c). به گزارش پولیانوس (Athenaeus, ۴, ۱۴۶c)، کتیبه ای را اسکندر در تخت جمشید پیدا کرده که در آن هزینه های روزانه دربار ذکر گردیده که شامل لیست بلندی از ۱۰۰۰ آرتابا^{۲۶} (۱ آرتابا = ۳۰ لیتر) از بهترین آردها برای آشپزخانه شاهی و ۵۰۰ آرتابا برای نگهبانان که قوت غالب گندم و سایر آذوقه ها می بوده، صرف می شده است (Bivar, ۶۳۸-۹; Lewis, ۷۹-۸۷). یک فرمان در سال ۵۰۱ (ق.م) مصرف مقدار ۱۲۶۱۰ بار (۱۲۳۲۱۷ لیتر) آرد را در تخت جمشید، ذکر می کند (Hallock, ۷۰۱). هینتس (Hinz 1971, 287) پیشنهاد داده است که این مقدار ممکن است برای جشن سال نو استفاده شده باشد. این مقدار آرد برای مصرف نان تقریباً ۱۰ هزار نفر از میهمانان داریوش اول در بازه زمانی ۱۰ روزه کافی بوده است. چنین مقدار از آذوقه بدون شک برای برگزاری مراسمی در کاخ آپادانا بوده است.

زندگی در دربار

سبک لباس پوشیدن و مدل موی مادها و درباریان ایران در تعدادی از نقش برجسته های تخت جمشید نمایش داده شده است، در این نقش برجسته ها نقش حلقه های بلندی به گردن،

^{۲۶} artaba

دستبندهایی در دست و گاهی گل‌هایی در دستانشان وجود دارد (Roaf, ۲۸۷, ۱۹۷۱; Hinz). یکی از نقش‌برجسته‌ها برگزاری مراسم جشن برای حاضران را نشان می‌دهد. شاه در تخت سلطنتی جلوس کرده لباس بلندی پوشیده است، تاج پادشاهی را بر سر دارد، با تعدادی خدمه در دست راست و یک شکوفه نیلوفر آبی در دست چپش دارد. پشت سرش یک مرد پارسی با لباس آراسته که یک کلاه لبه دار (که میتوان با کلاه باشلک ترکیه مقایسه کرد) باد بزن بزرگی را بالای سر شاه نگه داشته و شاه را باد می‌زند، پشت سر این مرد یک نگهبان قرار دارد که یک نیزه بلندی را در دست نگه داشته است. یک مرد مادی با لباس رسمی و یک خنجر نشان داده شده و چند نفر در کنارش در مقابل شاه ایستاده‌اند تا بازدید کنندگان را به شاه معرفی کنند (Walser, ۱۹۸۰, ۷۹, pl. ۸۱, Root, ۲۳۳). قبل از صحبت با شاه در مقابل او باید زانو بزنند و این نشانه احترام به شاه بوده است. گزنفون (Hellenica, ۳, ۱۰; Cyropaedia ۲, ۱, ۸) گزارش می‌دهد که درباریان مجبور بودند در پیشگاه شاه دست‌های خود را در آستین‌هایشان فرو کنند (Root, ۲۷۷).

در مورد زندگی خصوصی شاه اطلاعات کمی در دسترس است. اگر چه وعده‌های غذایی برای افراد زیادی در قصر هر روزه سرو می‌شد، شاه با ملکه و مادرش در یک اتاق جداگانه غذا می‌خورد، شاه روی یک صندلی با پایه‌های طلایی می‌نشست و از میان پرده میهمانان را نظاره می‌کرد. یک خدمتکار که پیش‌بندی بر دهانش دارد تا با نفسش شاه را متاثر نکند، باد بزن بزرگی را بالای سر او تکان می‌دهد تا حشرات را از شاه دور نگه دارد. بعضی اوقات شاه چندین نفر از درباریان مورد علاقه را دعوت می‌کند تا به او بپیوندند با این وجود درباریان روی زمین می‌نشستند. طی صرف غذا، آوازه‌خوان‌ها، آواز می‌خواندند و می‌رقصیدند (Athenaeus, ۴, ۱۴۵-۱۴۶; Deipnosophistai). به نقل از Heracleides of Cyme; رجوع شود به Cameron, ۱۹۵۸, ۱۷۲, ۵۰). با توجه به کتاب استر (۶:۱)، زمانی که شاه از بی‌خوابی رنج می‌برد او به یک منشی دستور می‌داد تا در مورد وقایع و اتفاقات زمان وی و شاهان قبل از

او برایش بخواند. به هنگام عزیمت به جائی دیگر، مسیر کاخ تا سوارشدن به کابین و ارا به شاهی، توسط فرش‌های قرمزی پوشانده و بوسیله جاروی مخصوصی راه را برای شاه تمیز می‌کرده‌اند (Stolper, ۶۳ و ۵۱).

درباریان استان‌ها

دربار ساتراپی نمونه کوچکی از دربار سلطنتی بود که شامل درباریان و خدمتکاران غیر نظامی می‌شد. او نیز مسئول تدارکات برای افراد زیادی بود. برای مثال ساتراپ یهودا ۱۵۰ نفر به طور مرتب روزانه در مقر ساتراپی خود داشته است و هر روز یک گاو، شش گوسفند، مرغ و شراب برای این تعداد لازم بوده است (Nehemiah ۱۸-۱۷:۵). در مورد درباریان شهرهای فنیقیه، کیلیکیه و سایر بخش‌های آسیای صغیر اطلاعات محدودی در دسترس است (Elayi, ۲۰). بعضی از این افراد درباری ساتراپ‌ها شامل مترجمان (Xenophon, Anabasis ۱,۸,۱۲; ۲.۵.۳۵, ۴.۴.۵; Hofstetter, ۳۳) می‌شدند (no. ۵۵). با توجه به مدارک بابلی و آرامی، اعضای خانواده هخامنشیان و افراد عالی رتبه دارای نفوذ صاحب املاک وسیعی در بابل و مصر و همچنین در قلمرو حکمرانی و حوزه حکومتی خود بودند (Dandamaev and Lukonin, ۱۳۵-۳۷).

منابع

- E. Benveniste, *Titre et noms propres en iranien ancien*, Paris, ۱۹۶۶.
- E. J. Bickerman, "A propos d'un passage de Chares de Mytilène," *La parola del passato* ۹۱, ۱۹۶۳, pp. ۲۴۱-۵۵.
- D. H. Bivar, "The Commissariat of Cyrus the Great," in *Camb. Hist. Iran II*, ۱۹۸۵.
- G. G. Cameron, *Persepolis Treasury Tablets*, Chicago, ۱۹۴۸.
- _____, "Persepolis Treasury Tablets Old and New," *JNES* ۱۷, ۱۹۵۸, pp. ۱۶۱-۷۶.
- J. M. Cook, *The Persian Empire*, London, ۱۹۸۳, esp. pp. ۱۳۸-۴۰.
- Cowley, ed. with tr. and notes, *Aramaic Papyri of the Fifth Century B.C.*, Oxford, ۱۹۲۳.
- M. A. Dandamaev, "New Documents of the Royal Economy in Iran," *VDI* ۱, ۱۹۷۲, pp. ۳۲۷.
- _____ and V. G. Lukonin, *The Cultural and Social Institutions of Ancient Iran*, Cambridge, ۱۹۸۹.
- G. R. Driver, *Aramaic Documents of the Fifth Century B.C.*, ۲nd ed., abr. and rev., Oxford, ۱۹۶۵.
- W. Eilers, "Die altiranische Vorform des Vāspuhr," in W. B. Henning and E. Yarshater, eds., *A Locust's Leg. Studies in Honour of S. H. Taqizadeh*, London, ۱۹۶۲, pp. ۵۵-۶۳.
- J. Elayi, "The Phoenician Cities in the Persian Period," *The Journal of the Ancient Near Eastern Society of Columbia University* ۱۲, ۱۹۸۰, pp. ۱۳-۲۸.
- R. N. Frye, *The Heritage of Persia*, London, ۱۹۶۲, esp. pp. ۹۷-۱۰۴.
- _____, *The History of Ancient Iran*, Munich, ۱۹۸۴.
- J. C. Greenfield, "*HAMARAKARA > 'AMARKAL," in M. Boyce and I. Gershevitch, eds., *W. B. Henning Memorial Volume*, London, ۱۹۷۰, pp. ۱۸۰-۸۶.
- R. T. Hallock, *Persepolis Fortification Tablets*, Chicago, ۱۹۶۹.

- W. Hinz, "Achämenidische Hofverwaltung," *ZA* ٦١, ١٩٧١, pp. ٢٦٠-٣١١.
- _____, *Darius und die Perser II*, Baden-Baden, ١٩٧٩.
- S. W. Hirsch, *The Friendship of the Barbarians. Xenophon and the Persian Empire*, Hanover and London, ١٩٨٥.
- J. Hofstetter, *Die Griechen in Persien*, AMI, *Ergänzungsband* ٥, Berlin, ١٩٧٨.
- F. W. König, *Die Persika des Ktesias von Knidos*, *Archiv für Orientforschung*, Beiheft ١٨, Graz, ١٩٧٢.
- D. M. Lewis, "The King's Dinner," in H. Sancisi-Weerdenburg and A. Kuhrt, eds., *Achaemenid History II*, Leiden, ١٩٨٧, pp. ٧٩-٨٧.
- M. Roaf, "The Subject Peoples on the Base of the Statue of Darius," *CDAFI* ٤, ١٩٧٤, pp. ٧٣-١٥٩.
- M. C. Root, *The King and Kingship in Achaemenid Art. Essays on the Creation of an Iconography of Empire*, *Acta Iranica* ١٩, Leiden, ١٩٧٩.
- R. Schmitt, "Medisches und Persisches Sprachgut bei Herodot," *ZDMG* ١١٧, ١٩٦٧, pp. ١١٩-٤٥.
- M. W. Stolper, *Entrepreneurs and Empire. The Murašû Archive, the Murašû Firm and the Persian Rule in Babylonia*, Leiden, ١٩٨٥.
- G. Walser, "Griechen am Hofe des Grosskönigs," in E. Walder, ed., *Festgabe Hans von Greyerz*, Bern, ١٩٦٧, pp. ١٨٩-٢٠٢.
- _____, *Persepolis. Die Königspfalz des Darius*, Tübingen, ١٩٨٠.
- D. J. Wiseman, *Cylinder Seals of Western Asia*, London, ١٩٥٨.